

## بازخوانی آراء شهید دکتر بهشتی پیرامون «بیمه اجتماعی» در نظام حقوقی ایران

محمد بهادری جهرمی • استادیار، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.  
m.bahadori@modares.ac.ir  
محمدصادق داریوند • دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)  
s.darivand@isu.ac.ir

### چکیده

ضرورت بیمه اجتماعی در زندگی امروزه یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جوامع انسانی محسوب شده و در قوانین اساسی کشورها غالباً مورد توجه قرار گرفته است و دولت‌ها می‌کوشند تا این حق مهم را برای شهروندان خویش تأمین کنند. در نظام حقوقی ایران، این حق بنیادین در اصول سوم، بیست و یکم و بیست و نهم قانون اساسی برای همه مردم به رسمیت شناخته شده است. از میان نمایندگان ملت در مجلس خبرگان قانون اساسی، شهید سیدمحمد بهشتی که به دلیل آشنایی با نظامات و ساختارهای حقوقی دیگر کشورها، نسبت به مسائل مستحدثه فقهی از جمله بیمه دارای نگاه دقیق‌تری بوده است، در تصویب اصول پیش‌گفته نقش اساسی ایفاء کرده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به دنبال پاسخ به این پرسش است که بیمه در اندیشه شهید بهشتی دارای چه جایگاهی است و نظرات ایشان پیرامون ابعاد مختلف آن دارای چه چارچوبی است؟ نتایج پژوهش حاکی از آن است که از نگاه شهید بهشتی، بیمه یک قرارداد فیما بین بیمه‌گذار و بیمه‌گر است که از جهت ماهیت فقهی، یک عقد مستقل محسوب شده و نیازی به واردکردن آن در یکی از ابواب فقهی نیست. ایشان ریشه‌های اسلامی بیمه را ناشی از سه اصل مهم احساس تعاون اجتماعی، احساس مسئولیت اجتماعی و اصل تکافل اجتماعی دولت اسلامی می‌داند و در همین راستا، وجود بیمه‌های اجتماعی همگانی و علی‌الخصوص بیمه‌های درمانی همگانی را یک ضرورت می‌داند و معتقد است دولتی بودن بیمه طبق اصل چهل و چهارم قانون اساسی، ایجاب می‌کند که دولت سیاست‌های حمایتی نسبت به مقوله بیمه اتخاذ نماید.

واژگان کلیدی: بیمه اجتماعی، حق بر بیمه، حق بر تأمین اجتماعی، شهید بهشتی.



امروزه حق برخورداری از تأمین اجتماعی، از جایگاهی والا در اندیشه‌های حقوقی، سیاسی و اجتماعی حکمرانی کشورهای جهان دارد؛ زیرا بشر پیوسته در طول تاریخ احتیاج به حداقلی از ضرورت‌ها برای زندگی خود داشته است و به همین جهت مهمترین دلیل گردهمایی انسان‌ها در کنار هم، مرتفع کردن نیازهای اجتماعی‌شان بوده است (بهادری جهرمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۴).

چه بسا اگر بیمه را مهمترین مصداق تأمین اجتماعی بدانیم حرف گزافی نباشد چراکه انسان‌ها در زندگی امروزه خویش، با انواع خطرها و تهدیدات طبیعی و پیشامدهای بشری مواجه هستند. گرچه بروز این مخاطرات یک احتمال است لکن نگرانی آدمی از حدوث این اتفاقات، ضرورت وجود «بیمه» را برای بشریت بیش از پیش آشکار ساخته است. از این رو حق بهره‌مندی از بیمه و تأمین اجتماعی به عنوان یکی از حقوق بنیادین انسان‌ها در قوانین اساسی و عادی کشورها به رسمیت شناخته می‌شود تا جایی که در نظام حقوقی ایران، در بند ۱۲ اصل ۳ ضرورت تعمیم بیمه، در اصل ۲۱ قانون اساسی برای ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالمند و بدون سرپرست و در اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مسأله تأمین اجتماعی از جمله بیمه‌های همگانی و اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین در قوانین عادی همچون قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور، این حق بنیادین برای یکایک آحاد مردم به رسمیت شناخته شده و دولت موظف شده تا تمام تلاش و کوشش خود را معطوف به اجرایی سازی آن نماید. در این میان شهید بهشتی شخصیتی است که از نقشی بی‌بدیل در تصویب اصول مربوط به حق بیمه و تأمین اجتماعی در قانون اساسی برخوردار بوده است و به دلیل زندگی در خارج از ایران درباره ابعاد مختلف مسائل مستحدثه فقهی از جمله بیمه به اظهار نظر پرداخته‌اند.

بهره‌مندی علمی از محضر فقهای بزرگی همچون آیت‌الله العظمی بروجردی (ره)، علامه طباطبایی (ره) و امام خمینی (ره)، حضور چندساله در مرکز اسلامی هامبورگ آلمان به منظور انجام تبلیغ اسلام، ی، حضور در شورای انقلاب اسلامی، نایب رئیس بودن در مجلس خبرگان قانون اساسی و اداره بیشتر جلسات توسط ایشان و ریاست دیوان عالی کشور و شورای عالی قضایی ابعادی چند از حیات برجسته علمی و سیاسی - اجتماعی شهید بهشتی است که نشان از اهمیت جایگاه اندیشه ایشان در مقاله پیشرو دارد (طحان نظیف و داریوند، ۱۴۰۲، صص. ۲-۳؛ طحان نظیف و داریوند، ۱۴۰۳: ۱۲۸). پرسش اساسی تحقیق پیشرو آن است که مفهوم، ماهیت فقهی، ضرورت، مبانی اسلامی و دولتی یا خصوصی بودن بیمه در در اندیشه شهید بهشتی چگونه ارزیابی

می‌شود؟ بر همین اساس پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی تلاش دارد تا بدین سوال پاسخ دهد.

لازم به ذکر است که در رابطه با بازخوانی آراء و اندیشه‌های شهید بهشتی با تمرکز بر موضوع بیمه، به نحوی که شایسته باشد هیچ‌گونه تحقیقی صورت نگرفته است و این امر می‌تواند منجر به فراموشی و تضعیف نظرات ایشان گردد، فلذا وجه نوآورانه تحقیق و پژوهش حاضر در آن است که آراء و نظرات شهید بهشتی پیرامون مسأله بیمه را در یک اثر مدون کرده است.

در همین راستا ابتدا موضع فکری شهید بهشتی درباره مفهوم بیمه مورد تبیین واقع شده (۱) سپس ضمن بررسی دیدگاه‌های مختلف فقها درباره ماهیت فقهی بیمه، دیدگاه شهید بهشتی در این باره توضیح داده خواهد شد. (۲) در ادامه با بررسی ریزمؤلفه‌های اندیشه شهید بهشتی در خصوص مسأله بیمه، نخست ضرورت وجود بیمه بررسی شده (۳)، و پس از آن، ریشه‌ها و مبانی اسلامی بحث بیمه از نگاه ایشان مورد تبیین واقع شده (۴) و نیز بعد از آن به چرایی دولتی بودن بیمه در قانون اساسی ایران از نظر ایشان اشاره شده (۵) و در نهایت ضمن بررسی تقسیم انواع بیمه به بیمه‌های خصوصی و عمومی، موضع ایشان در قبال هریک مورد واکاوی قرار می‌گیرد. (۶)

#### ۱. مفهوم بیمه<sup>۱</sup>

نهاد بیمه در معنا و مفهوم امروزی خود دربرگیرنده تضمین و تعهد ترمیم بازتاب‌های مالی خطرات بیمه می‌باشد. به این مفهوم که، بیمه‌گران با جمع کردن افراد در جایگاه مخاطره و نظم و نسق بخشی همکاری آنها، بر اساس ضوابط آماری، تضمین مالی قدرتمندی را که یارای جبران خسارات محتمل را داشته باشد، سازمان بخشد (محمودصالحی، ۱۳۹۳: ۸۰). در همین راستا به موجب ماده ۱ قانون بیمه مصوب سال ۱۳۱۶، «بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می‌کند در ازای پرداخت وجه یا جوهری از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز حادثه خسارت وارده بر او را جبران نموده یا وجه معینی بپردازد. متعهد را بیمه‌گر، طرف تعهد را بیمه‌گذار، وجهی را که بیمه‌گذار به بیمه‌گر می‌پردازد حق بیمه و آنچه را که بیمه می‌شود موضوع بیمه نامند». بر اساس آنچه از تعریف قانونی بیمه استنباط می‌شود، بیمه یک عمل است که در یک طرف آن بیمه‌گر با قبول خطرات معین و برپایه قواعد آمار و احتمالات، متعهد می‌شود که در ازای دریافت وجهی به عنوان حق بیمه از بیمه‌گذار،

<sup>1</sup> Insurance

در صورت وقوع حادثه و تحقق خطر تعیین شده، نسبت به جبران خسارت وارده اقدام نماید (ممبئی، ۱۳۹۵: ۲۶). از نگاه شهید بهشتی بیمه عبارت است از اینکه با تأدیه مبالغ کم به شکل مبسوط و برای آسودگی خاطر افرادی که احتمال صدمه و ضرر در کسب و کار، سفر، سرقت، حریق، در آب گرفتار شدن و مانند آن متوجه ایشان شود، بوجود آید (حسینی بهشتی، ۱۳۹۷: ۱۴۸ - ۱۴۷). به عبارت بهتر شهید بهشتی درباره مفهوم بیمه اعتقاد دارد که بیمه، یک نوع قرارداد فی مابین بیمه‌گذار و بیمه‌گر است به شکلی که بیمه‌کننده را یارای آن باشد که در برابر صدمات احتمالی که معطوف به بیمه‌شده می‌شود، تعهد به جبران نماید و بدین صورت مسأله‌ای در آن بوجود نمی‌آید و یک عقد و پیمان دوطرفه تلقی می‌گردد (حسینی بهشتی، ۱۳۶۲: ۱۷۱).

#### ۲. انواع بیمه

بیمه از لحاظ و جهات مختلفی قابل تقسیم است. یکی از مهم‌ترین تقسیم‌بندی‌های بیمه، تقسیم آن بر اساس فراگیری و الزامی بودن رعایت مصلحت فردی و اجتماعی است که به دو نوع بیمه خصوصی و بیمه اجتماعی تقسیم می‌شوند.

#### ۱-۲. بیمه‌های خصوصی<sup>۱</sup>

بیمه‌های خصوصی که نام دیگر آن، بیمه‌های تجاری یا بازرگانی است، به بیمه‌هایی اطلاق می‌شود که اغلب بیمه‌شونده با طوع و رغبت خود و به صورت کاملاً آزادانه نسبت به فراهم‌سازی اقسام گوناگون حمایت‌های بیمه‌ای مبادرت می‌ورزد. این نوع بیمه‌ها به انواع مختلفی مانند بیمه‌های بحری و غیر بحری، بیمه‌های تأدیه خسارت یعنی (مسئولیت و اموال) و بیمه‌های افراد و اشخاص، قابل تقسیم شدن می‌باشند (خروشی، ۱۳۹۰: ۳۶). در بیمه خصوصی، هدف، مصلحت خاص فردی است و یک قرارداد اختیاری است که بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار بسته می‌شود و خطرات و نامایماتی را که در بیمه‌نامه مشخص شده است، در برابر پرداخت اقساط پوشش می‌دهد. در این نوع بیمه، انگیزه شرکت‌های بیمه‌ای، سودآوری است و منافع اجتماعی و عمومی و اجتماعی، فرع بر انگیزه‌های اقتصادی بیمه‌گذاران و بیمه‌گران است. (جمالی زاده، ۱۳۸۰: ۱۱۹).

شهید بهشتی درباره این نوع از بیمه‌ها معتقد است که در قانون اساسی اظهار شده است که خود به خود، بیمه می‌تواند به شکل دولتی یا غیردولتی باشد لکن مصلحت اقتصادی نظام اسلامی مستلزم

<sup>۱</sup> Non - Compulsory Insurance

دولتی بودن بیمه‌ها می‌باشد. فلذا در این حالت و به تعبیر فقهی، به عنوان «اولی» اشکالی ندارد لکن به عنوان «ثانوی» یعنی لزوم تعدیل اجتماعی در اجتماع قائل هستیم که باید عمومی باشد و این امر شبیه فعالیت‌های دیگر از قبیل سایر انحصارهای دولتی است (اردشیری لاجیمی، ۱۳۹۰: ۱۷۷).

ایشان که خود از افراد شاخص و مؤثر در تصویب قانون اساسی بوده‌اند، درباره دولتی شدن بیمه در جریان تصویب اصل ۴۴ می‌فرمایند: «در خصوص بیمه، بنده در حدود بیست سال قبل کاری روی آن کرده بودم و خیلی روی بیمه‌های خصوصی حساس شده بودم. برای این که دیدم بیمه و بانک دست‌شان بر گردن هم است و دو تا از آن شبکه‌های گسترده‌ی مکندهی خون اجتماع (خون اقتصادی و عمل اقتصادی جامعه) هستند. اول از دور، آدم خیال نمی‌کند که بیمه این طوری بگیرد و می‌دهد. ولی وقتی که آدم رابطه‌ی جهانی بیمه‌ها را می‌بیند. مسأله‌ی بیمه‌ها چه غوغایی است. امروزه بیمه‌های جزء پردردسرتترین موسسات اقتصادی دنیا است. به هر حال، در مجلس خبرگان تصمیم گرفتیم که اینها دولتی باشند و رأی هم آورد» (حسینی بهشتی، ۱۳۹۷: ۱۸۷) دکتر بهشتی همچنین به این مسأله اشاره داشته‌اند که به جهت مبانی و اصول فقهی، مراجع تقلید فتوا داده‌اند که بیمه می‌تواند به شکل دولتی و غیر دولتی باشد لکن ایشان از جهت مبانی کلی که در اقتصاد اسلامی وجود دارد، شخصاً ترجیح می‌دادند که بیمه دولتی شود بدین شرط که کارایی آن از واحدهای خصوصی کمتر نباشد (حسینی بهشتی، ۱۳۹۷: ۱۵۲).

#### ۲-۲. بیمه‌های اجتماعی<sup>۱</sup>

بیمه‌های اجتماعی، صورتی از تضامن و تعهد جمعی است که خطوط مشی رسمی دولت‌ها، انجام این موارد را با هدف سازماندهی موقعیت اقشار خاصی، ضروری دانسته‌اند و اشخاص را در مقابل خطرات و صدمات معینی که آثار منفی آنها برعهده اشخاص ثقیل می‌باشد را تحت حمایت خویش قرار دهد. به عبارت دیگر بیمه اجتماعی به فعالیت‌هایی گفته می‌شود که در مسیر استقرار رفاه و آسایش همگانی برای همه یا بخشی از جامعه صورت می‌پذیرند. در حقیقت این فعالیت‌ها، پشتیبانی دولت از افراد صدمه‌دیده، کارمندان و افراد مشغول به کار در ادارات دولتی و کارگران در مقابل تعدادی از آسیب‌های احتمالی و حوادثی نظیر بیماری، از کار افتادگی، پیری، بازنشستگی،

<sup>۱</sup> Social/Compulsory Insurance

بیکاری و فوت می‌باشد (جمالی زاده، ۱۳۸۰: ۱۱۵). مشخصه این نوع بیمه‌ها آن است که شخص کارفرما موظف به پرداخت بخش زیادی از حق بیمه می‌باشد و نیز برعکس بیمه‌های خصوصی و تجارتي که حق بیمه، به فراخور کیفیت احتمال خطر معین می‌شود، در این شکل از بیمه، حق بیمه بر مبنای دستمزد شخص بیمه‌گذار اخذ شده و با احتمال خطر مرتبط نیست (خروشی، ۱۳۹۰: ۳۶).

از نگاه شهید بهشتی، بیمه‌های اجتماعی یکی از ضرورت‌های زندگی امروز جوامع است و یکی از عواملی که باعث سامان یافتن مسأله شلوغی و ترافیک خودروها در کشورهای پیشرفته شده است، وجود همین نوع بیمه‌هاست؛ چراکه وقتی راننده پشت وسیله نقلیه شخصی بنشیند و بر اساس قوانین عمل نماید، اگر تصادفی هم رخ دهد، نگران اتلاف زمان خویش نخواهد بود، زیرا بیمه در اینجا مسئول تأدیه و جبران خسارت تلقی می‌شود؛ بنابراین، با جرأت بیشتری حرکت می‌کند و به هر کس بخورد مانعی نمی‌بیند. و یا اگر چنانچه شخصی بیکار شود، به موجب بیمه بیکاری، دستمزد هر شبانه روز تا زمانی که وضعیت شغلی شخص تعیین شود را می‌بایستی بیمه پردازد. در نتیجه، وجود این اطمینان و امنیت خاطر در مقابل کثیری از مسائلی، یکی از نیازهای اساسی زندگانی امروز ما تلقی می‌شود (حسینی بهشتی، ۱۳۹۷: ۱۴۶).

#### بیمه درمانی

یکی از مهم‌ترین انواع بیمه‌های اجتماعی، بیمه درمانی به صورت همگانی است. تأمین سلامت برای یکایک مردم در هر جامعه‌ای از حقوق اساسی انسان‌هاست که باید به وسیله دولت‌ها و متولیان امور مورد توجه جدی قرار گیرد. سازمان‌های جهانی، از جمله سازمان جهانی بهداشت، حق سلامت را مهم‌ترین هدف اجتماعی یک جامعه و بهره‌مند بودن از سلامت را اساس توسعه پایدار و یکی از پایه‌های اصلی رسیدن به عدالت اجتماعی به شمار می‌آورند. افزایش شدید هزینه‌های درمانی در سال‌های اخیر و ناکارآمدی بیمه‌های درمانی در ارائه خدمات درمانی باعث شده تا بیمار و خانواده او در برابر این هزینه‌ها ناتوان باشند. هزینه‌های ناشی از تأمین، حفظ و ارتقای سلامت افراد یکی از مهم‌ترین هزینه‌های خانوار به شمار می‌آید که گاه می‌تواند سبب افت وضع مالی خانواده‌ها به زیر خط فقر گردد. همواره راهکارهای گوناگونی برای دسترسی آسان به خدمات سلامت و حفاظت خانواده‌ها و افراد در مقابل هزینه‌های سلامت به ویژه هزینه‌های

کمرشکن مورد استفاده قرار می‌گیرد. مهم‌ترین این راهکارها، بیمه‌های درمانی است که تا بتوانند سلامت افراد جامعه را با هزینه مناسب تأمین نمایند. (عرب و همکاران، ۱۳۸۹: ۱) تاکید بر گسترش بیمه‌های درمانی علاوه بر بند ۱۲ اصل ۳ قانون اساسی، در بندهای الف و ب از ماده ۳ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب سال ۱۳۸۳ جزء اهداف و وظایف حوزه بیمه‌ای شناخته شده است.<sup>۱</sup>

شهید دکتر بهشتی در همین زمینه معتقد است که اگر بیمه درمانی در جامعه‌ای به شکل صحیح انجام شود، موهبتی برجسته به شمار می‌رود؛ زیرا هیچ فردی این ادعا را ندارد که همه اشخاص توانایی جمع‌آوری پس‌انداز برای وقایع دشوار و هزینه‌های گزاف درمانی را داشته باشد و تحقیقاً جمع‌گیری از اشخاص وجود دارد که همه عایدی ماهانه و چه بسا سالانه ایشان نیز نمی‌تواند بر تأمین مخارج درمانی یک عارضه هولناک که نیاز به امکانات پزشکی دارد، کفایت کند. نظامی که در آن چنین شخصی با دادن پول به عنوان حق بیمه ماهانه بتواند این تضمین را بدست آورد که اگر خود یا خانواده‌اش با یک عارضه جسمانی روبه‌رو شدند، ایشان را از امکانات پزشکی و درمانی نظیر بیمارستان و طبیب بهره‌مند می‌سازند، به واقع برای آسایش خاطر در زندگانی ایشان، بسیار سودمند خواهد بود. فلذا هیچ شک و تردیدی در این مسأله که بیمه به مفهوم فراهم‌سازی یک نظام امنیت بخش و آرامش آفرین، از جمله نیازهای اصلی حیات اجتماعی بشر است، نمی‌توان داشت (حسینی بهشتی، ۱۳۹۷: ۱۴۸ - ۱۴۷).

از نگاه شهید بهشتی سیاست‌های دولت در مورد بهداشت و درمان، می‌تواند حمایتی باشد. این مسأله باید به این صورت باشد که از یک طرف بیمه بایستی همگانی و الزامی شود و دولت در توسعه بیمه‌ها برای همه اقشار جامعه قدم بردارد و از دیگر سو، ضرورت دارد که همه نهادهای درمانی در ارتباط کامل با نظام بیمه‌ای کشور باشند. قانون اساسی مهیاسازی بهداشت و درمان برای همه اقشار جامعه را مد نظر قرار داده است اما نحوه اجرای آن را باید دولت و مجلس با

<sup>۱</sup> «ماده ۳ - اهداف و وظایف حوزه بیمه‌ای به شرح زیر می‌باشد:

الف - گسترش نظام بیمه‌ای و تأمین سطح بیمه همگانی برای آحاد جامعه یا اولویت دادن به بیمه‌های مبتنی بر بازار کار و اشتغال.

ب - ایجاد هماهنگی و انجام بین بخش‌های مختلف بیمه‌های اجتماعی و درمانی»

همکاری و کمک گرفتن از گروه‌های تحقیقاتی، معین نمایند. فلذا چنانچه بیمه الزامی شده و گسترش یابد به گونه‌ای که همه نهاد درمانی کشور به صورت بیمه‌ای درآمد، این هدف می‌تواند تحقق یابد؛ زیرا اثر دولت در مسأله بهداشت و درمان، یک نقش اساسی و مهم است (حسینی بهشتی، ۱۳۹۷: ۲۳-۲۲).

از همین روی ایشان ضرورت وجود بیمه درمانی همگانی برای همه افراد جامعه را مورد تأکید قرار داده و در این باره می‌فرمایند: «در جهت درمان بیلیدیا گسترش بیمه درمانی و اصلاح روابط بیمه‌ای، ترتیبی داده شود که همه مردم از درمان بیمه‌ای برخوردار گردند و دیگر زمینه‌ای برای انواع دیگر درمان باقی نماند. تجربه نشان می‌دهد که نه سیستم درمان صرفاً دولتی می‌تواند نتیجه مطلوب را بدهد، نه سیستم درمان خصوصی. در سیستم اول نقش مستقیم رضایت بیمار و بیماردار در بهبود کیفی کار کم است و این وضع آثار نامطلوب خود را به جا می‌گذارد و در سیستم دوم درمان به صورت یک تجارت و سوداگری پراسیب درمی‌آید. در سیستم بیمه همگانی، می‌توان به مقدار زیاد از هر دو آسیب کاست، به خصوص اگر درمان فقط از این طریق باشد. کمک دولت به برنامه درمانی نیز از راه پرداخت حق بیمه خواهد بود، خواه پرداخت درصدی از آن، نظیر بیمه کارکنان و خواه پرداخت صددرصد آن، از قبیل بیمه کسانی که کارمند و کارگر نیستند و توانایی مالی شخصی نیز برای پرداخت حق بیمه ندارند. البته بیمه درمانی مانند همه بیمه‌های دیگر در بخش دولتی اقتصاد است، چنان که در قانون اساسی نیز آمده است (حسینی بهشتی، ۱۳۸۸: ۴۳۶).

### ۳. ماهیت فقهی قرارداد بیمه

بیمه از جمله مسائل مستحدثه و جدید محسوب می‌شود و مشخصه مسائل نوپدید در احکام اسلامی شامل شدن آن قسمت از موضوعاتی است که رأی شرعی‌شان به وضوح اظهار نگردیده است؛ چه اینکه این مسأله در ایام متقدم وجود نداشته است (همانند بیمه) چه اینکه موجود بوده لکن برخی از مشخصات و حالات آن تحوّل یافته و آن را مسأله‌ای تازه نشان داده است (همانند ارزش مالی داشتن خون)؛ پراکه این موارد ولو اینکه در قدیم موجود بوده اما به دلیل عدم به کارگیری مشروع، ارزش مالی نداشته‌اند. یکی از مبانی تردیدناپذیر فقه اسلامی در چاره‌جویی موضوعات جدید، جامع بودن شریعت اسلامی در همه زمینه‌های زندگانی انسان است که با گوناگونی زیاد مسائل جدید، مجتهدین را با عدد کثیری از سوالات تازه رو به رو کرده است که



ضرورت دارد بر اساس طرق دارای حجیت شرعی یعنی کتاب آسمانی و سیره ائمه اطهار (ع) که به صورت دلایل لفظی که اکثراً الفاظ مطلق و عام می‌باشند، به آنها پاسخی مناسب داده شود (خادمی کوشا، ۱۳۹۹: ۱۰).

درباره ماهیت عقد بیمه در میان فقهای شیعه اختلاف نظر وجود دارد. دسته‌ای از فقها عقد بیمه را داخل در عقود معین مانند عقد ضمان می‌دانند. منظور از عقد ضمان در اینجا، ضمان عرفی و عقلایی است که اسم آن را ضمان توسعه یافته می‌گذاریم و شامل ضمان بر اعیان نیز می‌شود؛ اعم از اینکه قبل از انعقاد عقد ضمان، اعیان مضمونه باشند؛ مثل اموال دزدیده شده در دست غاصب یا اینکه اعیان مضمونه نباشند، مثل عین مستأجره و عین مرهونه یا مال الجعالة (نیکخوامیری، ۱۳۹۴: ۱۳۸). برخی از این فقیهان در تطبیق بیمه با عقد ضمان چنین استدلال می‌کنند که بیمه گذار به شکل ماهانه مبلغی به شرکت بیمه کننده می‌پردازد و این مال در ملکیت او باقی می‌ماند و هریک از افراد شرکت نیز به نسبت مالی که در شرکت دارند، خسارت دیگران را ضمانت می‌کنند. اقدام از جمله مصادیق ضمان اعیان محسوب شده و به لحاظ شرعی با مشکلی مواجه نخواهد شد (ملائکه پور شوشتری، ۱۳۹۴: ۱۵۵).

از جمله فقهایی که قائل به ضمان بودن عقد بیمه شده‌اند آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی است. ایشان در مقاله‌ای با عنوان «عقد بیمه»، پس از توضیحاتی در مورد واژه بیمه و مسأله ایجاب و قبول در آن به بررسی عناصر عقد ضمان و عقد بیمه می‌پردازند و تعداد نوزده عنصر را برای عقد ضمان شمرده‌اند و این چنین نتیجه گیری می‌کنند که: «بعد از بررسی عناصر نوزده‌گانه عقد ضمان به این نتیجه رسیدیم که بسیاری از موارد، عنصر عقد ضمان نیستند لذا فقدان آن موارد، مایه بطلان عقد ضمان نخواهد بود. عقد بیمه اگرچه فاقد بعضی از موارد است ولی فقدان این موارد که عنصر عقد ضمان نیستند، مانع اندراج آن عقد در تحت عقد ضمان نیست ولی برای اثبات این معنی ضروری است» (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۲، ج ۳: ۲۱۵ و ۲۱۶).

اما دسته‌ای دیگر از فقها بیمه را عقدی مستقل دانسته و اعتقاد دارند که لزومی به آوردن قرارداد بیمه تحت یکی از عناوین عقود معین نیست بلکه بیمه می‌تواند عقد مستقلی محسوب شده و با استفاده از عموم و اطلاق آیات قرآن و روایات معصومین، می‌توان صحت آن را اثبات کرد. از جمله فقهای قائل به مستقل بودن عقد بیمه، امام خمینی (ره) است. ایشان در تحریر الوسیله به

جایگاه بیمه در بین عقود اشاره کرده و می‌گویند: «ظاهر این است که بیمه عقدی است مستقل. و بدون شبهه این بیمه ای که در زمان ما رایج و متعارف است، نه صلح است و نه هبه معوضه. احتمال هم دارد که عقد مستقلی نباشد، بلکه مصداقی از ضمانت با عوض باشد، لکن عقد مستقل بودنش روشن تر است و از باب ضمان عهده نیست، بلکه از باب التزام به جبران خسارت است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶: ۴۹۲).

شهید مطهری (ره) نیز از جمله قائلین به این نظر بودند و در همین رابطه اظهار داشته‌اند: «در میان عقود که ما در فقه داریم، یک عقد هست که احتمال اینکه اساساً بیمه داخل در آن باشد زیاد است و آن ضمان است ولی باید دانست که بیمه به عنوان یک معامله مستقل هیچ اشکالی ندارد، چراکه اساساً ضرورتی ندارد که اسمش را ضمان بگذاریم. ضمان شرعی همان ضمان دین است. ما تابع نیستیم که آن را ضمان عهده یا ضمان درک بنامیم بلکه بیمه خودش یک معامله مستقل است و همان چیزی است که امروز به آن بیمه می‌گویند و شامل همه اقسام بیمه هم می‌شود. بنابراین هر قرارداد جدیدی که پیدا شود، ما باید اصل را بر صحت آن معامله بدانیم و فقط باید توجه کنیم که موارد خلاف شرع وارد در قرارداد بیمه نشود» (مطهری، ۱۳۷۵: ۳۰۲).

از نگاه آیت‌الله بهشتی، عقد بیمه چنانچه با رعایت شرایط فقهی که در باب قراردادها و معاملات آمده، منعقد شود، این عقد، صحیح و لازم‌الاجراء تلقی می‌شود. ایشان با استناد به روایت «نهی النبی (ص) عن بیع الغرر» و استنباط فقهی از آن اعتقاد دارند که اگر بیمه‌ای غرری باشد، بدین معنا که در آن امکان گول زدن و گول خوردن وجود داشته باشد، این گونه قرارداد بیمه‌ای صحیح نخواهد بود (حسینی بهشتی، ۱۳۸۷: ۲۴۱).

همچنین در خصوص اینکه بیمه عقدی مستقل محسوب می‌شود یا آنکه باید در چارچوب یکی از عقود معین اسلامی مطرح شود، با عنایت به نظرات شهید بهشتی متوجه آن می‌شویم که ایشان از جمله افرادی هستند که قائل به مستقل بودن قرارداد بیمه بوده و در این زمینه اظهار داشته‌اند: «لازم نیست ما قرارداد بیمه را در یکی از انواع معاملات و قراردادهای سنتی قدیم داخل کنیم. مثلاً بگوییم از باب «ضمان» است و چون «ضمان» در فقه ما بوده، پس اشکالی ندارد، یا هیچ لزومی ندارد بگوییم مثلاً داخل در باب «کفلة» است و چون کفلة در فقه ما وجود داشته پس بیمه اشکالی ندارد. این قرارداد می‌تولند به عنوان یک قرارداد کاملاً تازه، که بر طبق نیازهای جدید

اجتماعی به وجود آمده و به عنوان یک قرارداد مستقل شناخته شود و اگر آن شرایط و قوانین و معیارهای کلی که در اسلام برای قراردادها وجود دارد، در آن رعایت شود، قراردادی صحیح است. یک قدم به جلو برداشتن در اینجا این است که ما مجبور نیستیم هر چیزی را حتماً داخل آن عنوان قبلی کنیم. می‌تواند یک چیزی کاملاً تازه باشد، و در عین حال حکمش را از قوانین کلی اسلام بفهمیم. به عبارت دیگر لازم نیست که «معاملات» حتماً داخل در تحت عناوینی باشد که قبلاً در فقه آمده است. یک اصطلاح در فقه داریم و آن این است که معاملات، «توقیفی» نیست. می‌تواند معامله‌ای که به طور کلی نو است و قبلاً هیچ مشابهی و نوعی مثل او نداشته‌ایم به اقتضای شرایط جدید به وجود بیاید. یک معامله جدید است، ولی در عین حال این معامله می‌تواند معامله صحیح اسلامی باشد؛ اگر آن معیارهای کلی در آن رعایت شود و چنانچه آن معیارها در آن رعایت نشود معامله غلط از نظر اسلام باشد» (حسینی بهشتی، ۱۳۸۷: ۲۴۱ - ۲۴۰).

#### ۴. ضرورت بیمه در جامعه اسلامی

در زمان‌های گذشته، مردم یک جامعه برای ایمن ماندن از آثار منفی حوادث طبیعی و غیر طبیعی دست به دست هم می‌دادند و با تعاون یکدیگر نظامی در شکل ابتدایی خود به وجود می‌آوردند تا از آسیب دیدگان برخی حوادث حمایت کرده و اثر منفی حوادثی که حرفه یا زندگی تجاری آنها را تحت تأثیر قرار می‌داد، بکاهند و بدین وسیله تضمین بیشتری برای کار و فعالیت خود فراهم سازند. امروزه نیز بیش از پیش ضرورت و اهمیت بیمه بر همگان ثابت شده و هیچ کس خود را از آن بی‌نیاز نمی‌بیند و حتی در پاره‌ای از زمینه‌ها، بیمه دارای وضعیتی اجباری است (خروش، ۱۳۹۰: ۱۷). بنابراین امروزه بیمه یکی از ضروریات زندگی اجتماعی و تجاری در عصر جدید است با توجه مخاطرات فیزیکی و حقوقی نوظهور که بیشتر ابعاد فعالیت‌های اجتماعی بشر را فراگرفته است، بیش از پیش اهمیت آن آشکار می‌شود که این خود شناخت و آگاهی از حقوق حاکم بر آن را ضروری می‌نماید.

از نگاه شهید بهشتی زندگی اجتماعی بر حرکت انسان، به یک نوع تأمین و امنیت در ابعاد گوناگون زندگی احتیاج دارد. به عنوان مثال، در یک نهاد که تعداد قابل توجهی کارگر دارد، امکان دارد بسیاری از این افراد شاغل در معرض کارهای آسیب‌زا و پرخطر باشند و چنانچه این اشخاص همواره دچار صدمه شوند و صاحب مجموعه بخواهد متکفل جبران هزینه‌های درمانی آنها شود،

باید قدر متیقن برآمدن از عهده خطرات احتمالی را محاسبه کند. بنابراین یکی از موارد آرامش‌بخش زندگی اجتماعی در کشورهای پیشرفته، همین نوع بیمه‌ها قلمداد می‌شود. بنابراین زمانی که اشخاص بیمه و مورد حمایت باشند، با جرأت و اطمینان خاطر بیشتری حرکت می‌کنند و بی‌تردید وجود این اطمینان و امنیت خاطر در مقابل کثیری از مسائل، یکی از نیازهای اساسی زندگی امروز ما تلقی می‌شود (حسینی بهشتی، ۱۳۹۷: ۱۴۶ - ۱۴۵).

۵. زمینه‌های اسلامی تشکیل بیمه

اگر معاضدت و همراهی، مساوات و یاری به مظلوم و محروم، ایجاد حس تعاون و کار دسته‌جمعی، تسهیم و پخش کردن ضرر بر عهده اشخاص، استوارسازی روحیه یاری‌رسانی را از جمله مقاصد بیمه به شمار آوریم، بدین مفهوم که زیانمندی‌های مالی متوجه اشخاص را تعدیل می‌کند، زیان‌های وارده را از راه تقسیم خسارات بر سایر بیمه‌شوندگان کاهش می‌دهد، زمینه‌ساز ایجاد آسودگی خاطر فکری و روانی برای انجام کارهای اقتصادی شده و به افرادی که به سبب پیشامدهای ناگوار دچار پریشان‌حالی و محرومیت در حیات خویش گشته‌اند، یاری می‌شود. می‌توان اظهارداشت که اصول اندیشه‌ای بیمه از جایگاه والایی در فرهنگ دینی بهره‌مند است. (جمالی‌زاده، ۱۳۸۰: ۶۱). از نظر شهید بهشتی زمینه‌ی بوجود آمدن بیمه‌ها و ریشه‌های اسلامی آن عبارت است از کاری که ناشی از ۳ اصل است: اول. اصل خیرخواهی و تعاون اجتماعی و دوم. اصل مسئولیت اجتماعی و سرنوشت مشترک و سوم. اصل کفالت همگانی.

۱-۵. اصل خیرخواهی و تعاون اجتماعی

در نظام اسلامی اسلامی، مسئولیت تأمین اجتماعی به طور همزمان با مشارکت جمعی آحاد جامعه، خانواده‌ها، برادران ایمانی، نهادهای خیریه و دولت در کنار همدیگر به انجام می‌رسد و از این رو، می‌توان این الگو را الگویی جامعه محور دانست که در آن خدمات تأمین اجتماعی به طور کامل تولید و توزیع می‌شود. (نادران و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱) از نگاه شهید بهشتی، در منطق اسلام برادری ایمانی، ریشه دارترین وحدت پیوندزا و مسئولیت آفرین است و از این روی در مجتمع اسلامی پیوستگی روانی و عطف و مهربانی افراد به شکل دوسویه بوده و برادری و اخوت اسلام مدار بسیار مورد عنایت است و از جمله امهات اسباب ایجاد و محافظت از نظام عادل اجتماعی می‌باشد؛ زیرا این پایه‌ی روحی و اتصال ایمانی افراد، در پاسداشت حقوق اشخاص و کوشش در مسیر استقرار مصالح جمعی نقشی محوری دارد (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲: ۳۷۷). از دید

ایشان، این خیرخواهی و تعاون‌های در سطح اجتماع، همبستگی روحی افراد را زیاد می‌کند و این یک واقعیت است که وقتی انسان‌ها در زندگی به درد یکدیگر بخورند، خود به خود برادری میان آنها تقویت می‌شود (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲: ۱۲۹-۱۲۸).

۲-۵. اصل خیرخواهی و تعاون اجتماعی

از نگاه شهید بهشتی، جامعه اسلامی یک جامعه ارادی است که امت مسلمان با اراده آزاد خویش آن را محقق می‌سازد و این اجتماع با هدف همیاری و پذیرش مسئولیت دوطرفه و همکاری برای محقق کردن مقاصد خویش ایجاد می‌شود؛ فلذا در این جامعه، زیست اجتماعی با مشارکت و تعاون در مسئولیت همراه است (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۳۹۵). در تعالیم اسلامی می‌بینیم که از یک طرف بر مسئولیت شخص نسبت به ساخت خود و محیط پیرامون تأکید شده و در سمت مقابل بر اثر تردیدناپذیر محیط اجتماعی در شکل‌دهی به فکر، اخلاق و اراده و عمل انسان تا جایی که گویا سرانجام افراد تا حد زیادی به یکدیگر گره خورده است (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۴۰۰). در باور شهید بهشتی، انسان موجودی مسئول است و یکی از مهمترین شئون مسئول بودن انسان، مسئولیت او در برابر محیط اجتماعی است چراکه از نظر ایشان، انسان یک واقعیت اجتماعی و یک موجود اجتماعی است و هیچ زمان به تنها زندگی نمی‌کند. انسان همیشه با دیگران زندگی می‌کند و در رابطه با دیگران هم اثر می‌گذارد و هم اثر می‌پذیرد. روحیه مسئولیت جمعی، از اهم اسباب نگهداری و تضمین اجرای عدالت در جامعه اسلامی است و از همین روی، اطلاع عمومی نسبت به تکلیف و حقوق، و رعایت در حفظ و اجرای آن در جامعه ضرورت دارد (حسینی بهشتی، ۱۳۹۲: ۳۷۷).

۳-۵. اصل کفالت همگانی

آماده‌سازی کامل اسباب حیات اشخاص جامعه و بهروری ایشان از مواهب خدادادی، از جمله مهم‌ترین مقاصد نظام حکمرانی اسلامی تلقی می‌گردد. قسمتی از تدارک این منظور بر ذمه دولت و قسمت دیگری از آن بر ذمه یکایک اشخاص جامعه می‌باشد که از این تکلیف اسلامی به قاعده تکافل نیز تعبیر می‌گردد؛ بدین معنا که اعضای جامعه در برابر همدیگر، مسئولیت مشترک و دوسویه دارند. این قاعده نشان از ضرورت برآوردن احتیاجات لازم و مهم اعضای اجتماع دارد که در حدود قوانین اسلامی، همه مسلمین گیتی، کفالت دیگری را بر عهده خویش داشته باشند. اسلام اصل کفالت عمومی را فریضه ای مانند سایر فرایض، لازم الاجرا دانسته است. (جمالی‌زاده، ۱۳۸۰:

۶۱). از نگاه شهید بهشتی، یکی از بخش‌های بسیار مهم تعالیم اقتصادی اسلام، بخش مربوط به مسئولیت‌های مالی و اقتصادی دولت اسلامی است. ایشان اعتقاد دارند که دولت اسلامی موظف است عایدی‌های خود را در بیت‌المال مسلمین تجمیع کرده و مواظب باشد که در هر قسمتی از بلاد اسلامی احتیاج و نیازمندی بوجود آمد، آن را شناسایی کرده و مهیا سازد، به مانند برپایی و پاسداری نهادهای عمومی در زمینه‌های فرهنگی، سلامت، ترویج ارزش‌های اسلامی و مانند آنها، تدارک مخارج دفاع از قلمرو اسلام، مهیاسازی نیازهای اشخاصی که بایستی تکلیفی را انجام دهند، فراهم‌سازی تأمین کمبود زندگی همه بی درآمدها یا کم درآمدهایی که در قلمرو اسلام زندگی می‌کنند. پیمان مصمم دولت اسلامی و خزانه امت برای تهیه حیات اقشار کمتر برخوردار جامعه، یک تضمین حتمی برای ایشان بوده و موجب می‌شود که تأمین حیات ایشان حتی در گرو انجام تکالیف مالی مسلمانان نباشد (حسینی بهشتی، ۱۳۹۰: ۵۸۰ - ۵۷۸).

۶. دولتی بودن بیمه در نظام حقوق اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و قبل از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شورای انقلاب اسلامی به موجب مصوبه ۱/۸/۱۳۵۸ خود با عنوان «لایحه قانونی ملی شدن مؤسسات بیمه و مؤسسات اعتباری»، به جهت حفظ حقوق بیمه‌گزاران و گسترش صنعت بیمه در کشور و انجام بیمه برای خدمت به مردم از تاریخ تصویب این قانون کلیه مؤسسات بیمه کشور را ضمن قبول اصل مالکیت مشروع مشروط، ملی اعلام نمود. پس از تصویب قانون اساسی، فصل چهارم این قانون با نام اقتصاد و امور مالی، نظام بیمه سامان یافت. براساس اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظام اقتصادی کشور به سه دسته دولتی، خصوصی و تعاونی تقسیم شد و تنظیم‌کنندگان اصل ۴۴، بیمه را در بخش دولتی نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران قرار داده‌اند. شهید بهشتی که از افراد تأثیرگذار در تصویب قانون اساسی بوده است در همین باره اظهار داشته‌اند که شریان‌های مهم اقتصادی که نقش بنیادین سیاسی داشته یا به خودی خود مستلزم تکلیف دولت در سرمایه‌گذاری در این بخش باشد، همانند راه‌آهن، هواپیمایی، کشتیرانی، معادن، بیمه و مانند اینها را در بخش دولتی اقتصاد واقع در اصل ۴۴ قانون اساسی قرار داده شد (حسینی بهشتی، ۱۳۹۷: ۱۸۷). ایشان اعتقاد داشتند که یکی از موجبات و محرکات در ارتباط با مبنای اسلامی و مشروعیت فقهی دولتی بودن بیمه، آن است که مشروع بودن بیمه در هنگامی که متعلق به دولت

باشد، راحت‌تر است (حسینی بهشتی، ۱۳۹۷: ۱۵۱). شهید بهشتی در همین باره می‌فرماید: «مصلحت اقتصاد جمهوری اسلامی ایجاب می‌کند که بیمه‌ها دولتی باشند. بنابراین به خودی خود و به تعبیر فقهی، به عنوان «اولی» اشکالی ندارد. ولی به عنوان «ثانوی» یعنی ضرورت تعدیل اجتماعی در جامعه می‌گوییم باید عمومی باشد و این مشابه کارهای دیگر است مانند انحصارهای دولتی دیگر» (حسینی بهشتی، ۱۳۶۲: ۱۷۳). ایشان اعتقاد داشتند که از نظر آن مبانی کلی که در اقتصاد اسلامی وجود دارد، بهتر آن است که بیمه دولتی شود مشروط بر آنکه کارایی‌اش از واحدهای خصوصی کم‌تر نباشد و این مسأله‌ی مهمی است (حسینی بهشتی، ۱۳۹۷: ۱۵۲) و نیز شهید بهشتی راه را بر اصلاح دولتی بودن بیمه‌ها بسته ندانسته و معتقد بودند: «تشخیص تنظیم کنندگان قانون اساسی بر این بوده است که در این مقطع زمانی {یعنی در سال ۱۳۵۸} در ایران، بیمه دولتی به سود جامعه خواهد بود لکن اگر روزی معلوم شود که در تشخیص‌شان اشتباه کرده‌اند، طبیعی است که باید در این امر تجدید نظر صورت گیرد» (حسینی بهشتی، ۱۳۶۲: ۱۷۴). لازم‌به‌یاد ذکر است که به موجب بند ۷ ماده ۵<sup>۱</sup>، بند الف ماده ۲۹ و نیز بندهای ۳ و ۵ ماده ۳۱۷ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری مصوب سال ۱۳۵۰، شرکت بیمه مرکزی و ارکان آن از جمله مجمع عمومی و شورای عالی بیمه وظیفه هدایت، سیاست‌گذاری و تعیین خطوط مشی برای موسسات بیمه‌ای و نظارت بر عملکرد آنها را برعهده دارد. همچنین در سال ۱۳۶۷ قانون اداره امور شرکت‌های بیمه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که برطبق ماده ۱ این قانون حق تصدی بیمه‌گیری منحصراً در اختیار شرکت‌های بیمه ایران، آسیا، البرز و دانا قرار گرفت که در قالب سهامی مدیریت شده و همه سهام این شرکت‌ها به دولت تعلق دارد و همچنین این نهادها برای

<sup>۱</sup> «ماده ۵ - بیمه مرکزی ایران دارای وظایف و اختیارات زیر است:

۷ - ارشاد و هدایت و نظارت بر موسسات بیمه و حمایت از آنها در جهت حفظ سلامت بازار بیمه و تنظیم امور

نمایندگی و دلالی بیمه و نظارت بر امور بیمه اتکائی و جلوگیری از رقابت‌های مکارانه و ناسالم»

<sup>۲</sup> «ماده ۹ - وظایف مجمع عمومی به شرح زیر است:

الف - تعیین خط مشی کلی»

<sup>۳</sup> «ماده ۱۷ - وظایف شورای عالی بیمه به شرح زیر است:

۳ - تعیین انواع معاملات بیمه و شرایط عمومی بیمه نامه‌ها و نظارت بر امور بیمه‌های اتکائی.

۵ - تصویب آئین نامه‌های لازم برای هدایت امر بیمه و فعالیت موسسات بیمه»

اجرای اقسام فعالیت بیمه‌ای در قسمت‌های دولتی، تعاونی و خصوصی مجاز می‌باشند. شهید بهشتی از جمله کسانی است که اعتقاد دارد نباید اقتصاد کشور یک سره دولتی باشد و در همین رابطه می‌فرماید: «در قانون اساسی گفته‌ایم که نظام اقتصادی اسلام، نظامی است که دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ درنیاورد. این یک اصل پذیرفته شده است و در قانون اساسی مورد قبول واقع شده است .... {فلذا} ما با دولتی شدن اقتصاد مخالفیم و اقتصاد باید در حداقل ضرورت، دولتی باشد. این جزء اصول بود و معتقدیم که دولتی شدن اقتصاد، انسان‌های جامعه را وابسته می‌کند و و منظور از وابستگی آن است که انسان‌های جامعه همه مزدور دولت می‌شوند.» (حسینی بهشتی، ۱۳۹۷: ۲۰۲). در واقع شهید بهشتی معتقد بود که رقابت و مسابقه‌ای مثبت و سازنده میان سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی، هم به پیشرفت اقتصاد و شکوفایی استعدادها و خلاق کمک می‌کند و هم آزادی اقتصادی را تأمین و هم از تبدیل شدن دولت به یک سرمایه دار گول پیکر جلوگیری می‌نماید (حسینی بهشتی، ۱۳۸۸: ۴۶۲). بر همین اساس بود که در راستای جلوگیری از بزرگتر شدن اقتصاد بخش دولتی در ایران، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۴ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شد. در قسمت ۴ از بند ۲ بخش الف متن سیاست‌های کلی، تأکید شده است که سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت در زمینه بیمه توسط بنگاه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و بخش‌های تعاونی و خصوصی مجاز است. پس از این ابلاغیه در سال ۱۳۸۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی به تصویب مجلس رسید که در ماده ۲ آن اشاره شده بود که بیمه مرکزی و شرکت بیمه ایران از لحاظ سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت منحصراً در اختیار دولت است. و نیز بر طبق بند «د» ماده ۲ آیین نامه اجرایی تشخیص، انطباق و طبقه‌بندی فعالیت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی، شرکت‌های بیمه البرز، بیمه آسیا و بیمه دانا جزء شرکت‌های گروه دوم ماده ۲ قانون فوق‌الذکر قرار گرفت که بر طبق بند «ب» ماده ۳ قانون مزبور می‌بایستی دولت (۸۰٪) از ارزش مجموع سهام این شرکت‌ها را به بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی واگذار نماید.

به عبارت بهتر همانطور که در گفتارهای شهید بهشتی مشاهده شد، ایشان اذعان داشتند که قانون‌گذار اساسی در سال ۱۳۵۸ با در نظر گرفتن شرایط روز و مصلحت اجتماعی، به دولتی شدن بیمه رهنمون گشت و چنانچه زمانی مشخص شود که مضرات این اقدام از منافع آن بیشتر است، در



این امر تجدیدنظر خواهد شد فلذا با عنایت به ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی<sup>۱</sup> که بر تطابق این اصل با سایر اصول فصل اقتصاد و امور مالی از جمله بند ۲ اصل ۴۳ که بر بزرگ نشدن دولت به شکل یک کارفرمای بزرگ تأکید داشته، اصرار ورزیده است، مانعی برای تغییر ریل از دولتی بودن به خصوصی شدن صنعت بیمه هم در نگاه شهید بهشتی (ره) و هم در نظر مقنن اساسی دیده نمی‌شود و به همین جهت از این ظرفیت در متن سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ استفاده شد بدین نحو که شرایط برای ورود بخش خصوصی به صنعت بیمه تا سقف (۸۰٪) از سهام این شرکت‌ها فراهم شد و صرفاً وظیفه هدایت، سیاست‌گذاری و نظارت بر این حوزه برعهده دولت و بیمه مرکزی نهاده شد.

#### نتیجه‌گیری

با بررسی‌های صورت گرفته در تحقیق حاضر مشخص شد که بیمه در نظام حقوقی ایران از جایگاه مهمی برخوردار است به طوری که هم در اسناد بالادستی مانند قانون اساسی و هم در قوانین عادی مصوب مجلس مورد تأکید قرار گرفته است و در همین راستا شهید بهشتی که دارای نقشی ارزنده و برجسته در روند تصویب اصول قانون اساسی داشته و از افراد متبحر در مسائل اقتصاد اسلامی بوده و مطالعات و تجربیات فراوانی داشته‌اند، اعتقاد دارند که انسان‌ها در زندگی خود به دلیل آنکه با انواع خطرات طبیعی و غیرطبیعی مواجه هستند، نیاز به نوعی اطمینان خاطر دارند تا با شجاعت بیشتری به انجام کار و فعالیت بپردازند و بیمه می‌تواند چنین نقشی را در زندگی ایشان ایفا کند. از نگاه شهید بهشتی که به تعبیر امام خمینی (ره) مجتهدی مسلم بوده‌اند، بیمه از لحاظ فقهی یک قرارداد میان بیمه‌گر و بیمه‌گذار است به شکلی که بیمه‌کننده را یارای آن باشد که در برابر صدمات احتمالی که معطوف به بیمه‌شده می‌شود، تعهد به جبران نماید و بدین صورت مسأله‌ای در آن وجود نمی‌آید و یک عقد و پیمان دوطرفه تلقی می‌گردد. این قرارداد، یک عقد مستقل محسوب شده و لزومی ندارد که عقد بیمه را داخل در یکی از عقود معین فقهی کنیم بلکه این قرارداد به دلیل آنکه از مسائل مستحدثه می‌باشد، در شناسایی ماهیت فقهی آن، باید قدمی رو به جلو برداشت و با

<sup>۱</sup> «مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.»

استفاده از عموماً آیات قرآن و روایات معصومین (ع)، حکم آن را از قوانین کلی اسلام استنباط کنیم و به عنوان عقد مستقل به رسمیت بشناسیم.

همچنین با عنایت به نظرات دکتر بهشتی مشخص شد از آنجایی که دین مبین اسلام همواره بر تعاون و همکاری تأکید نموده و توصیه فراوان به ایجاد روحیه برادری و پیوند اخوت اسلامی در میان امت اسلامی داشته است، ایشان ریشه‌های بیمه از نگاه اسلامی را ناشی از ۳ اصل مهم احساس خیرخواهی و تعاون اجتماعی، احساس مسئولیت اجتماعی و سرنوشت مشترک و اصل تکافل اجتماعی دولت اسلامی نسبت به رفع نیازهای اقشار مختلف جامعه از جمله نیازمندان می‌دانند و در همین راستا شهید بهشتی وجود بیمه‌های اجتماعی همگانی به شکل اجباری و علی‌الخصوص بیمه‌های درمانی همگانی را یک ضرورت غیرقابل انکار دانسته و معتقد است که دولت باید سیاست‌های حمایتی در قبال نظام سلامت، بهداشت و درمان جامعه داشته باشد و در راستای اجرایی سازی بند ۱۲ اصل ۳ و اصل ۲۹ قانون اساسی مبنی بر تعمیم بیمه و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه را تمام تلاش و امکانات خود را به کار گیرد؛ چراکه بر طبق اصل ۴۴ قانون اساسی، نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی تقسیم می‌شود و بیمه در بخش دولتی اقتصاد ایران جای دارد و شهید بهشتی که خود از تنظیم‌کنندگان متن قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸ می‌باشند در این زمینه اعتقاد دارند که با توجه به تجربه‌ی صنعت بیمه خصوصی و بازرگانی در دنیای سرمایه‌داری و نیز حساس بودن جریان‌های استراتژیک اقتصادی کشور، در سال ۱۳۵۸ تصمیم‌منتخبان ملت در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی بر آن شد که به عنوان یک راه جدید و تجربه‌ای نو، صنعت بیمه در اقتصاد ایران به شکل دولتی قرار گیرد و ایشان قائل به این نکته مهم بودند که شرط دولتی ماندن بیمه این مسأله مهم است که کارآیی آن از شرکت‌های خصوصی کمتر نباشد اما با گذشت زمان و عیان شدن مضرات اقتصاد دولتی و بنگاه‌داری دولت از ظرفیت ذیل اصل ۴۴ و بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی استفاده شد و در سال ۱۳۸۴ در قسمت ۴ از بند ۲ بخش الف متن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ابلاغی مقام معظم رهبری، تأکید شد که سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت در زمینه بیمه توسط بنگاه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و بخش‌های تعاونی و خصوصی جایز بوده و در قوانین و مقررات مربوطه بعدی این واگذاری به بخش خصوصی تا سقف ۸۰٪

سهام بیمه‌ها مجاز شمرده شد و بدین ترتیب تنها وظیفه هدایت و نظارت بر عهده دولت و به طور مشخص شرکت بیمه مرکزی ایران قرار گرفت.

به هر صورت، اکنون پس از گذشت تقریباً دو دهه از تصمیم ورود بخش خصوصی به صنعت بیمه در نظام حقوقی ایران به شکل وسیع، وضعیت این اقدام بنیادین از جهات گوناگون حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و... بایستی مورد ارزیابی صاحب‌نظران قرار گیرد که تحلیل ابعاد گوناگون این اقدام، موضوع مهمی است که به پژوهش مستقل دیگری نیازمند است.

#### منابع

اردشیری لاجیمی، حسن (۱۳۹۰)، گزیده‌ای از دیدگاه‌های شهید بهشتی، چاپ دوم، قم: موسسه بوستان کتاب.

بهادری جهرمی، علی؛ اکبری، علی؛ فلاحیان، مهدی. (۱۴۰۰)، تأملی بر تکالیف حکومت اسلامی و مبانی حقوق بشری بر حق تأمین اجتماعی، فصلنامه تأمین اجتماعی، ۱۷ (۲)، صص. ۷۳-۸۴.

حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۹۲)، اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا، چاپ دوم، تهران: نشر روزنه.

حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۶۲)، اقتصاد اسلامی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۸۷)، بانکداری، ربا و قوانین مالی در اسلام، چاپ دوم، تهران: نشر روزنه.

حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۸۸)، حزب جمهوری اسلامی (مواضع تفصیلی)، چاپ دوم، تهران: نشر روزنه.

حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۹۱)، درس‌گفتارهای فلسفه دین، چاپ اول، تهران: نشر روزنه.

حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۹۰)، شناخت اسلام، چاپ دوم، تهران: نشر بقیع.

حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۹۷)، نظام اقتصادی در اسلام (مباحث کاربردی)، چاپ دوم، تهران: نشر روزنه.

خادمی کوشا، محمدعلی (۱۳۹۹)، چالش‌های بهره‌گیری از عموومات و مطلقات در حل مسائل مستحدثه، فصلنامه جستارهای فقهی و اصولی، ۶ (۲۱)، صص. ۷-۳۳.

خروشی، عبدالعظیم (۱۳۹۰)، حقوق بیمه (تعهدات در بیمه‌های گرامت)، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.

طحان نظیف، هادی؛ داریوند، محمدصادق (۱۴۰۲)، تحلیل مفهوم و ابعاد «قانون» در پرتو اندیشه‌های

شهید آیت الله دکتر بهشتی (ره)، پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۵۹ (۱)، صص. ۱-۲۸.

طحان نظیف، هادی؛ داریوند، محمدصادق (۱۴۰۳). ولایت فقیه و حدود اختیارات آن در اندیشه شهید دکتر بهشتی با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۶۳ (۱)، صص. ۱۶۲-۱۲۷.

عرب، محمد؛ کاوسی، زهرا؛ روانگرد، رامین (۱۳۸۹)، نظام‌های بیمه سلامت، چاپ اول، تهران: جهاد دانشگاهی.

محمودصالحی، جان‌علی (۱۳۹۳)، حقوق بیمه، چاپ چهارم، تهران: انتشارات پژوهشکده بیمه.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۵) مسأله ربا به ضمیمه بیمه، چاپ هفتم، قم: انتشارات صدرا.

ملائکه پور شوشتری، سید محمد حسن (۱۳۹۴)، بیمه مسئولیت مدنی در حقوق ایران و انگلیس، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.

ممینی، بهرام (۱۳۹۵) اصول و مبانی بیمه، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.

موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۲)، مجموعه مقالات فقهی، حقوقی و اجتماعی، (ج ۳)، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.

موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۶)، تحریر الوسیله، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

نادران، الیاس؛ آقانظری، حسن؛ حسینی، سید رضا (۱۳۹۱)، الگوی تأمین اجتماعی صدر اسلام و دلالت‌های آن برای الگوهای نوین، فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، ۳ (۲)، صص. ۲۸-۵.

نیکخوا امیری، ناصر (۱۳۹۴)، بررسی فقهی عقد بیمه، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.